

برخی از احکام هنری فقها، اصلاً موضوع خارجی ندارند

*محمدصادق لیراوی

برخی از احکام هنری فقها، اصلاً موضوع خارجی ندارند! / اگر فقها هنرشناس باشند زبان مفاهمه با هنرمندان را پیدا می‌کنند / هر هنرمندی، هنرشناس نیست!

اگر خود فقیه هم آشنایی اندکی با مباحث هنری داشته باشد قطعاً در تشخیص موضوعات به او کمک خواهد کرد و حداقل این است که زبان فهم گفته‌های آن هنرشناس را خواهد داشت و می‌داند که نقطه بزنگاهی که هنرشناس صحبت می‌کند چیست و مطلب و موضوع را کاملاً درک خواهد کرد؛ لذا آشنایی فقیه به موضوعات هنری، به بحث موضوع‌شناسی و در نهایت به صدور احکام کمک خواهد کرد.

اختصاصی شبکه اجتهاد: شاید اگر فقه هنر را چالشی‌ترین باب از ابواب فقهی نوپدید بینگاریم سخنی به‌گراف نگفته‌ایم. جذابیت مقوله هنر و گستره تأثیرگذاری آن در میان مردم، تا بدان جاست که شاید بتوان گفت تمام ابناء بشر به نحوی با آن درگیر بوده و در تعامل هستند. در این رابطه، یکی از مباحثی که سالیان درازی است به چالشی در فقه هنر تبدیل شده است، موضوع‌شناسی این مباحث است. برخی از هنرمندان معتقدند بعضی فتاوی فقهی، ناشی از ناآشنایی مفتی با موضوع مسئله است و گرنه اگر موضوع مسئله برای وی روشن می‌شد، این چنین فتوا نمی‌داد. به‌عنوان نمونه، معتقدند اساساً نگارش نمایشنامه و فیلمنامه به منزله قرینه لبی برای غیرواقعی بودن داستان است؛ لذا اساساً دروغ و کذاب در نمایشنامه و فیلمنامه راه ندارد. همچنین وجود چند ده و گاه چند صد نفر در صحنه فیلم‌برداری به همراه دوربین‌های متعدد و افراد گوناگونی که هر یک به نحوی با صحنه درگیر هستند، اساساً فرصت قصد جدی از بیان جملات عاشقانه را از بازیگران می‌گیرد؛ لذا حکم به حرمت بیان جملات عاشقانه بین بازیگران نامحرم، از اساس بلاموضوع خواهد بود. در این میان، یکی از بهترین افراد برای گفتگو پیرامون این موضوع، حجت‌الاسلام والمسلمین محمدصادق لیراوی، مدیر مرکز پژوهش‌های اسلامی رسانه است. او همچنین سال‌هاست که در این مرکز در مسئولیت‌های مختلف حضور داشته و البته پیش از ریاست نیز مسئول دفتر پژوهش‌های بنیادین این مرکز بوده که تمام فعالیت‌های فقهی متمرکز در این دفتر بوده است. گفتگوی اختصاصی «اجتهاد» با مدیر مرکز پژوهش‌های اسلامی رسانه، به‌قرار زیر است:

اجتهاد: نقش موضوع‌شناسی در فقه هنر چیست؟

لیراوی: در هر بابی از ابواب فقه، موضوع‌شناسی حائز اهمیت است؛ چون احکام، تابع موضوعات و اسماء هستند و تا موضوعات و اسماء دقیقاً مشخص نشده باشد آن حکم در جایگاه واقعی خودش قرار ندارد؛ لذا در فقه هنر هم باید مسائل هنری دقیقاً مشخص بشود و بر روی آن کار بشود تا اینکه احکامی که بیان می‌شود دقیقاً در جایگاه واقعی خودش نشسته باشد. الان بسیاری از اختلافاتی که بین فقها و هنرمندان وجود دارد ناشی از این است که هنرمندان از موضوعات و عناوین

فقهی هنر اطلاع ندارند و فقها هم از موضوعات به طور دقیق اطلاع ندارند؛ لذا ممکن است احکامی گفته شود که واقعیت ندارد؛ چون موضوع آن مشخص نشده است. این رسالتی است که هم باید از ناحیه هنرمندان و هم از ناحیه فقها باید پیگیری شود؛ لذا موضوع‌شناسی در فقه هنر هم مثل سایر ابواب اهمیت بسزایی دارد.

اجتهاد: به نظر می‌رسد بسیاری از فتاوی فقها، مانند وجود کذب در ادبیات، قصد جدی از جملات عاشقانه ردوبدل شده بین بازیگران نقش زن و شوهر و ... ناشی از نادرستی موضوع‌شناسی دقیق هنر است. آیا با این گزاره موافقید؟ برای حل آن، چه باید کرد؟

لیراوی: بله دقیقاً من با این گزاره موافقم که مسائل خوب تبیین نشده و موضوعات به درستی حلاجی نشده است. باید این‌ها توسط متخصصین متعهد بررسی بشود و بعد برای فقیه گفته شود و فقیه هم باید اقدام به حکم کند. تا وقتی که موضوعات تبیین نشده باشند احکام هم در جایگاه واقعی خودشان قرار ندارند؛ لذا باید در این قسمت کار جدی صورت بگیرد تا اینکه مشکلات حل شود.

اجتهاد: چرا فقها علی‌رغم قول به حجیت قول خبره، به نظریات هنرمندان در رابطه با چیستی و ابعاد هنرشان توجهی نمی‌کنند و خودشان در قامت موضوع شناس، وارد می‌شوند؟

لیراوی: البته این امر ممکن است دلایل مختلفی داشته باشد؛ ولی عمده دلیل شاید این باشد که لزوماً هر هنرمندی قدرت تحلیل ندارد؛ یعنی فردی هنرمند هست؛ ولی هنرشناس نیست. یک هنرشناس باید این موضوعات را تبیین کند و آماده برای حکم فقهی آماده کند و برای اینکه این هنرشناس بتواند مفاهیم جدی با فقها داشته باشد، اولاً فقها باید به این هنرشناسان اعتماد داشته باشند و هنرشناسان تعهد داشته باشند که موضوعات را دقیقاً بررسی کردند. اگر فقها اعتماد به هنرشناس و هنرمند داشته باشند و هنرشناس هم تخصص کافی در این زمینه داشته باشد و با یکدیگر گفتگو و مفاهیم داشته باشند بسیاری از مشکلات حل خواهد شد و اعتماد حاصل خواهد گردید. مشکل الآن ما این است که فقها به هنرمندان اعتماد ندارند و این هنرمندان را هنرشناس نمی‌دانند. اگر هنرشناس بودن هنرمند برای فقها احراز گردد و همچنین تعهد و تدین آن‌ها محرز شود دلیلی ندارد که فقها به چنین هنرشناسی اعتماد نکنند و این جز از طریق مفاهیم، ممکن نیست.

اجتهاد: آیا برای شناخت موضوعات هنری، لازم است فقیه، خودش اطلاعاتی از هنر به دست آورد یا آنکه صرفاً می‌تواند بر نظر هنرمندان متعهد اعتماد کند؟

لیراوی: اگر خود فقیه هم آشنایی اندکی با مباحث هنری داشته باشد قطعاً در تشخیص موضوعات به او کمک خواهد کرد و حداقلش این است که زبان فهم گفته‌های آن هنرشناس را خواهد داشت و می‌داند که نقطه بزنگاهی که هنرشناس

صحبت می‌کند چیست و مطلب و موضوع را کاملاً درک خواهد کرد؛ لذا آشنایی فقیه به موضوعات هنری، به بحث موضوع‌شناسی و در نهایت به صدور احکام کمک خواهد کرد. اگر فقیه ما که مقداری هم آشنایی اندکی به مباحث هنری داشته باشد، زبان مفاهمه با هنرشناس را خواهد داشت.

اجتهاد: اقدامات صورت گرفته از جانب فقها برای موضوع‌شناسی مسائل هنری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

لیراوی: در مورد فقها شاید کار چندانی صورت نگرفته باشد. البته یک همایشی در چند سال گذشته با موضوع فقه هنر برگزار شد که مباحث خوبی در آن همایش مطرح شد و این مطالب همچنان ادامه پیدا کرده است. غیر از این همایش، یک مرکز دیگری به نام مرکز موضوع‌شناسی احکام فقهی وجود دارد که در ابواب مختلف مسائل فقهی، کار موضوع‌شناسی انجام می‌دهد؛ اما به نظرم باتوجه به پراکندگی گسترده موضوعات فقهی در بخش مسائل فقه هنری، باتوجه به ارتباطی که با آن‌ها داشتیم، هنوز کار خاصی در این قسمت صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد صداوسیما و خصوصاً اداره کل پژوهش‌های اسلامی صداوسیما که مرکزی رابط بین حوزه علمیه و صداوسیما جمهوری اسلامی است می‌تواند در این قسمت نقش‌آفرینی داشته و موضوعات و مسائل هنری را و هرآنچه مرتبط با هنر هست را بررسی کند و در اختیار فقها قرار دهد.